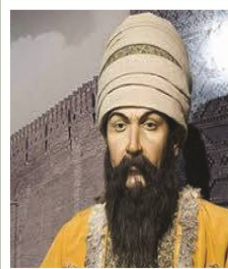
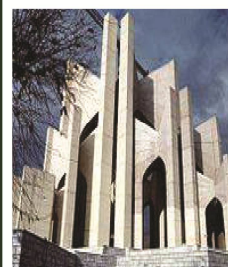
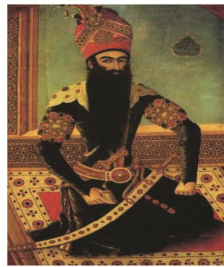
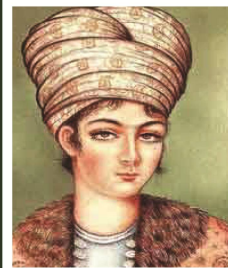
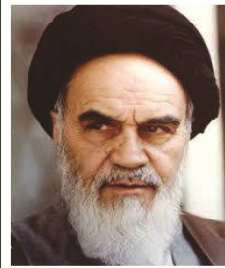


# تاریخ ایران

هائیه صفری

از ابتدا تا دوران معاصر

ویژه جوانان و نوجوانان



دفتر انتشارات آذربایان - تبریز (۰۴۱۱)  
فاکس: ۵۵۵۳۶۹۹ همراه: ۰۹۱۴۴۱۷۷۵۰۵



نام کتاب: تاریخ ایران - از ابتدا تا دوران معاصر (ویژه جوانان و نوجوانان)

مؤلف: هانیه صفری

سال: ۱۳۹۹

چاپ: کیهان

ناشر: انتشارات آذربایان

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

تعداد صفحه: ۲۶۲

چاپ: اول

قیمت:

قطع: وزیری

ISBN:

شابک:



سایت اینترنتی: [www.zargalam.com](http://www.zargalam.com) ایمیل: [info@zargalam.com](mailto:info@zargalam.com)

حق چاپ و انتشار دائم محفوظ است به انتشارات آذربایان

### فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۵۲	خشریته	۸	مقدمه
۵۳	هووخشره	۹	اقوام ایرانی
۵۳	ایشتویگو	۱۰	اقوام کنونی ایران
۵۴	هخامنشیان	۱۹	ایران پیش از آریایی ها
۵۵	کوروش	۲۰	ایران پیش از تاریخ
۵۸	کمبوجیه	۲۴	اجداد ایرانیان
۵۸	بردیا	۲۸	تمدن های نخستین
۵۹	داریوش کبیر	۲۸	سومریان
۶۰	خشیایار شاه	۳۱	اکدیان
۶۰	اردشیر دراز دست	۳۲	عیلامیان
۶۱	مقدونیه	۳۵	بابلی ها
۶۱	پایان دوره هخامنشی	۳۶	آشوریان
۶۲	زبان و خط هخامنشیان	۳۸	کاسیان
۶۳	دین و مذهب	۴۰	اورارتو
۶۳	زردشت پیغمبر	۴۱	تمدن جیرفت
۶۵	سلوکیان	۴۲	تپه سیلک
۶۶	اسالکه یا سلوکیان	۴۴	ایران بعد از آریایی ها
۶۷	سلوکیان و اشکانیان	۴۵	آریایی ها
۷۰	پایان سلوکیان	۴۸	ماد
۷۲	اشکانیان	۵۱	دیوکس
۷۳	اشک اول	۵۱	دیاکو
۷۳	اشک دوم	۵۲	فرورتیش

۹۳	دین عرب	۷۴	اشک سوّم
۹۴	ظهور اسلام	۷۴	فرهاد دوّم
۹۴	کودکی و جوانی پیغمبر	۷۴	هجوم سک ها
۹۴	بعثت	۷۵	مهرداد دوّم
۹۵	هجرت	۷۵	قدرت اشکانیان
۹۵	رحلت پیغمبر	۷۶	نظام اداری اشکانیان
۹۶	ابوبکر	۷۶	اداره ایالات در زمان اشکانیان
۹۶	عمر	۷۷	سپاه اشکانیان
۹۷	عثمان	۷۸	شهرها و پایتخت های اشکانیان
۹۷	حضرت علی (ع)	۷۸	آئین اشکانیان
۹۹	امویان	۷۹	زبان اشکانیان
۱۰۳	عباسیان	۸۰	ساسانیان
۱۰۵	خلفای عباسیان در قاهره	۸۱	شاهنشاهی ساسانیان
۱۰۷	طاهریان	۸۳	رقیبان ساسانیان
۱۱۱	صفاریان	۸۴	مانی
۱۱۵	سامانیان	۸۵	ایران بعد از اسلام
۱۱۸	نصر اوّل	۸۶	پیامبر اکرم (ص)
۱۱۹	پادشاهان سلسله سامانی	۸۹	قرآن مجید
۱۲۰	آل زیار	۹۰	تاریخ اسلام تا ابتدای خلافت
۱۲۱	خاندان زیار	۹۱	تاریخ اسلام از ابتدا
۱۲۳	مرد آویج	۹۱	عربستان
۱۲۴	وشمگیر	۹۲	عربستان و ایران
۱۲۵	آل بویه	۹۳	شهر مگه
۱۲۶	خاندان بویه	۹۳	قبیله قریش

۱۵۲	چنگیز خان	۱۲۸	عصددالدوله
۱۵۳	فتح ایران	۱۳۱	غزنویان
۱۵۴	سلطان جلال الدین	۱۳۲	سلطان محمود
۱۵۶	ایلخانیان	۱۳۴	سلطان مسعود
۱۵۹	تموچین فرمانروای بی رقیب	۱۳۴	پادشاهان دیگر غزنوی
۱۵۹	قتل فرستاده چنگیز به دربار ایران	۱۳۵	اهمیت هندوستان برای غزنویان
۱۶۰	هولاکو خان	۱۳۶	فتح سومنات
۱۶۲	غازان خان	۱۳۷	سلجوقیان
۱۶۳	سلطان محمد خدا بنده	۱۳۸	طغرل
۱۶۳	سلطان ابوسعید	۱۳۹	آلب ارسلان
۱۶۵	مغول و پذیرفتن فرهنگ اسلامی	۱۴۰	ملک شاه
۱۶۶	پایان کار مغولان	۱۴۲	جانشینان ملک شاه
۱۶۶	توسعه علوم در عهد مغولان	۱۴۲	سلطان سنجر
۱۶۷	سربداران	۱۴۳	اسماعیلیان
۱۷۰	جلایریان و مظفریان	۱۴۴	داستان کودکی حسن صباح
۱۷۱	جلایریان یا ایلکانیان	۱۴۵	فدائیان
۱۷۱	مظفریان	۱۴۶	اتابکان
۱۷۲	مبارزالدین محمد	۱۴۶	اتابکان فارس یا سلغریان
۱۷۲	شاه شجاع	۱۴۷	اتابکان آذربایجان
۱۷۳	شاه منصور	۱۴۸	خوارزمشاهیان
۱۷۳	فرمانروایان دیگر	۱۴۹	ایل ارسلان
۱۷۴	تیموریان	۱۴۹	تکش
۱۷۵	هجوم تاتار	۱۵۰	سلطان محمد
۱۷۵	امیر تیمور	۱۵۱	حمله مغول

۲۰۷	پس از نادر شاه	۱۷۶	شاهرخ
۲۰۹	زندیه	۱۷۷	الغ بیک
۲۱۰	کریم خان	۱۷۸	فرمانروایان دیگر تیموری
۲۱۱	وکیل الرعایا	۱۷۸	سلطان حسین بایقرا
۲۱۱	فتح بصره	۱۷۹	حکومت محلی تیموریان
۲۱۱	مرگ کریم خان	۱۸۰	دانش و هنر در زمان تیموریان
۲۱۲	جانشینان کریم خان	۱۸۲	مرعشیان
۲۱۳	قاجاریه	۱۸۴	قراقویونلوها
۲۱۵	ایل قاجار	۱۸۵	ترکمانان قراقویونلو
۲۱۵	آقا محمدخان	۱۸۷	آق قویونلوها
۲۱۶	تسخیر گرجستان	۱۸۸	ترکمنان آق قویونلو
۲۱۶	تاج گذاری	۱۹۰	صفویه
۲۱۶	فتح خراسان	۱۹۲	شاه اسماعیل
۲۱۷	لشکر کشی به گرجستان	۱۹۴	شاه طهماسب
۲۱۷	صفات آقا محمدخان	۱۹۵	شاه عباس بزرگ
۲۱۷	فتحعلی شاه	۱۹۸	جانشینان شاه عباس
۲۱۸	جنگ اول ایران و روس	۱۹۹	پایان خاندان صفوی
۲۱۹	جنگ دوم ایران و روس	۲۰۲	افشاریان
۲۲۰	جنگ با دولت عثمانی	۲۰۳	نادر شاه
۲۲۰	محاصره هرات و عباس میرزا	۲۰۴	خلع شاه تهماسب
۲۲۱	محمد شاه	۲۰۴	شکست عثمانیان
۲۲۱	لشکر کشی به هرات	۲۰۶	سلطنت نادرشاه
۲۲۲	ناصرالدین شاه	۲۰۶	فتح هند
۲۲۲	امیر کبیر	۲۰۷	پایان نادر

۲۴۰	انقلاب اسلامی و ترک ایران	۲۲۳	تجزیه خراسان
۲۴۰	مرگ آخرین شاه سلطنتی	۲۲۴	واقعه هرات
۲۴۱	انقلاب اسلامی	۲۲۴	سپهسالار
۲۴۳	کودتای ۲۸ مرداد و انقلاب	۲۲۵	بیداری ایرانیان
۲۴۴	وقایع سال ۱۳۵۶ خورشیدی	۲۲۵	کشته شدن ناصرالدین شاه
۲۴۶	وقایع سال ۱۳۵۷ خورشیدی	۲۲۶	مظفرالدین شاه
۲۴۷	امام خمینی(ره) رهبر انقلاب	۲۲۶	جنبش مشروطه خواهی
۲۴۹	وقایع سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰	۲۲۸	احمد شاه
۲۵۰	جنگ ایران و عراق	۲۲۹	برافتادن خاندان قاجار
۲۵۰	علل شروع جنگ	۲۳۰	پهلوی
۲۵۲	حمله ارتش عراق به خاک ایران	۲۳۱	سلسله پهلوی
۲۵۳	میانجی گری بین المللی	۲۳۱	رضاشاه پهلوی
۲۵۳	قطع نامه ۵۹۸	۲۳۴	محمد رضا پهلوی
۲۵۳	پس از آتش بس	۲۳۵	رسیدن به سلطنت
۲۵۴	مقایسه قدرت نظامی ایران و عراق	۲۳۶	سال های آغاز سلطنت
۲۵۵	حضرت آیت الله العظمی خامنه ای	۲۳۷	شاه و ملی شدن صنعت نفت
۲۵۶	مبارزات سیاسی	۲۳۸	کودتای ۲۸ مرداد
۲۵۹	آثار تحریری مقام معظم رهبری	۲۳۹	حکومت مطلقه



## بسمه تعالی

### مقدمه

هنگامی که سخن از تاریخ ایران می‌رود باید به این نکته توجه داشت که آیا منظور تاریخ اقوام و مردمانی است که از سر آغاز تاریخ تا کنون در مرزهای سیاسی ایران امروزی زیسته‌اند یا تاریخ اقوام و مردمانی است که خود را به نحوی از آنجا ایرانی می‌خوانده‌اند و در جغرافیایی که دربرگیرنده‌ی ایران امروز و سرزمینهایی که از دیدگاه تاریخی بخشی از ایران بزرگ (ایران‌شهر) بوده‌است زیسته‌اند.

هنگام سخن از تاریخ ایران بیش‌تر مورد دوم مقصود است. به همین دلیل گاه تاریخ ایران را از ورود آریاییها (که نام ایران نیز از ایشان گرفته شده‌است) به فلات ایران آغاز می‌کنند. ولی این هرگز به این معنی نیست که فلات ایران تا پیش از ورود ایشان خالی از سکنه یا تمدن بوده‌است. پیش از ورود آریایی‌ها به فلات ایران تمدنهای بسیار کهنی در این خطه شکفته و پژمرده بودند و تعدادی نیز هنوز شکوفا بودند. برای نمونه تمدن شهر سوخته (در سیستان)، تمدن عیلام (در شمال خوزستان)، تمدن جیرفت (در کرمان)، تمدن ساکنان تپه سیلک (در کاشان)، تمدن اورارتو (در آذربایجان)، تپه گیان (در نهاوند) و تمدن کاسی‌ها (در لرستان امروز) ذکر می‌شود.

نکته‌ی مهم دیگر شناخت وضع مناطق داخلی ایران در زمان شکل‌گیری و رواج تمدن‌های کهن است. یعنی فهم اینکه در زمان تمدن‌ها و دولت‌های باستانی چون سومر، کلد، اور، بابل، آشور، اورارتو و نژاتر آن، وضع این مناطق داخلی فلات ایران، که مجزا از منطقه مستقیم تحت حاکمیت این تمدن‌ها و دولت‌ها بوده‌است، به چه نحوی جریان داشته‌است. در هر صورت ما تصمیم نداریم که در این کتاب مسائل مزبور را به طور دقیق موشکافی کنیم، فقط می‌خواهیم که به طور خلاصه به موارد مزبور و تاریخ ایران اشاره کنیم. عزیزانی که تمایل به اطلاعات بیشتری در مورد تاریخ ایران دارند، بایستی به منابع و مأخذی که در پایان کتاب به آنها اشاره خواهد شد، مراجعه کنند. ضمناً امیدواریم که خوانندگان عزیز هرگونه کم و کاستی را بر ما ببخشند.

هانیه صفری



## اقوام ایرانی



به گواهی اسناد تاریخی و مدارک باستان شناسی، از هزاران سال پیش سرزمین ایران رهگذر و جایگاه زندگی اقوام گوناگونی بوده است که خصوصیات جسمانی و زبان ها و آداب متفاوتی داشته اند. پیش از استقرار آریاییان، در این فلات اقوام بومی ای می زیستند که امروز آن ها را به نام آسیانی می شناسیم. اقوامی که خط و نوشته از خود برجای گذاشته یا نامشان در اسناد و کتیبه های قدیم آمده عبارتند از:

- ایلامی ها که در خوزستان و حدود پشت کوه می زیستند.

- گوتی ها و لولوبی ها در نواحی کرمانشاه

- کاسی ها در دامنه های زاگرس و لرستان

- اورارتوها در آذربایجان

- آماردها و تیپوری ها در حاشیه جنوبی دریای خزر

اورارتوها از قرن نهم تا هفتم پیش از میلاد در ارمنستان کنونی و شرق آسیای صغیر و شمال آذربایجان حکومتی تشکیل داده بودند و کوه آرارات، که از نام همین قوم گرفته شده، در کشور آنان قرار داشت. این قوم تمدنی درخشان داشت و با کندن کاریزها و آبادانی زمین های بی حاصل در کشاورزی پیشرفت بسیار کرده بود.

کاسی ها در نیمه اول هزاره دوم پیش از میلاد در دره های زاگرس به سر می بردند و حدود شش قرن بر بابل حکومت کردند. کاسپین، نام دیگر دریای خزر از نام همین قوم گرفته شده است. شهر امروزی آمل و ناحیه طبرستان نام خود را از آماردها و تیپورها، اقوام قبل از آریائی ساکن سرزمین ایران گرفته است.

## اقوام کنونی ایران

از ورود نخستین آریائی‌ها تا امروز در آمیختگی قومی با درجات گوناگون در ایران ادامه داشته است. اسکندر در فتوحات خود سرداران و سپاهیان مقدونی و یونانی را به ازدواج با ایرانیان تشویق می‌کرد. هنگام حمله اعراب قبایل و طوایف بزرگ عرب به نواحی مختلف ایران کوچ کردند و رفته رفته در جمعیت ایران جذب شدند. بعدها قبایل ترک در گروه‌های بزرگ عشایری به ایران هجوم آوردند. سلجوقی‌ها بزرگترین دسته‌های این مهاجمان بودند. با حمله مغول سرزمین‌های خالی را طوایف پرجمعیت مغول پرکردند. پس از آن حکومت‌های ایران، به منظور پاسداری از مرزهای کشور، قبایل بیابان‌گرد را از نواحی دوردست به داخل ایران کوچ دادند. ازبک‌ها، بربرها، و ترکمان‌ها از این طریق به تدریج وارد ایران شدند. در اوایل توسعه قدرت صفوی نیروهای وفادار به شاه، که شاهسون یا قزلباش خوانده می‌شدند، همگی از قبایل ترک بودند و سران ایشان بعدها حکم رانی سراسر ایران را به خود اختصاص دادند.

بدین ترتیب، آمیزش اقوام گوناگون از سویی و وضع جغرافیایی و آب و هوای مناطق گوناگون در مشخصات ساکنان نواحی مختلف ایران بی‌تأثیر نبوده است. به عنوان نمونه، می‌توان اندام بلند و تنومند ایل نشینان مناطق زاگرس را نام برد که آن‌ها را از ساکنان کناره‌های دریای خزر، که قدتی کوتاه و چهره و موی و چشم روشن دارند، متفاوت می‌کند. این خصوصیات در مورد نواحی جنوب کشور، از جمله خوزستان، نیز قابل توجه است زیرا ساکنان این نواحی نیز برخی ویژگی‌های همسایگان از جمله اعراب را به خود گرفته‌اند.

مردم امروز ایران را از نظر روش گذران زندگی می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد. مردم ساکن شهرها و مردم روستاها و ایلات. ایل کلمه‌ای است ترکی و از زمان مغول‌ها به فارسی راه یافته است. ایل معمولاً به عشایر و قبایلی اطلاق می‌شود که در

جستجوی چراگاه برای دام های خود در ایام سال تغییر جا می دهند. جامعه عشایری زمانی اکثریت جمعیت ایران را تشکیل می داد. اما عوامل گوناگون از جمله قدرت گیری حکومت های مرکزی به تدریج بر شمار ساکنان شهرها و روستاها افزوده است. براساس آمار سال ۱۳۶۴ شمسی در ایران ۹۲ ایل بزرگ و ۴۸۲ طایفه مستقل وجود دارد که هر یک از آنها به واحدهای کوچک تری، که به نهاد خانواده می رسد تقسیم می شوند. از سه ویژگی مهم زندگی ایلیاتی یکی دام داری سنتی است که اساس اقتصاد آن به شمار می رود. دیگر، جا به جایی دائم یا رفتن به بیلاق و مناطق سردسیر در فصل گرما و بازگشت به قشلاق یا نواحی گرمسیر در زمستان است. این جابه جایی به منظور بهره جویی از پوشش گیاهی طبیعی و دسترسی به آب صورت می گیرد. کوچ نشینان نواحی البرز و دامنه های زاگرس معمولاً کوچ عمودی دارند، یعنی ازدشت ها و جلگه ها به بلندی های کوهستانی سفر می کنند. در نواحی سیستان و بلوچستان که تفاوت بین نقاط پست و بلند از نظر گیاهی قابل توجه نیست، کوچ در مسیر افقی صورت می گیرد. سومین ویژگی عشایر وابستگی اعضای آن به ساختار سیاسی و اجتماعی ایل است که بر اساس آن رئیس یا خان یا ایلخان اختیار تصمیم گیری، داوری و قدرت اجرایی دستورات را یک جا دارد. این خود از عوامل اساسی نیرومندی ایلات و توانایی آنها در سرنگونی و تأسیس حکومت ها در طول تاریخ بوده است.

ستیز دائم و بی امان با طبیعت، مردم کوچ نشین را آشنا با سرزمین، دلاور، بردبار و وابسته به یکدیگر بارمی آورد. عشایر ایران در نبردهای داخلی و خارجی نیز سهم مهمی داشته اند و به ویژه از دوران هخامنشی به بعد مرزداری از شغل های مهم آنان به شمار می رفته است. گردها، گرها، بلوچ ها، قشقایی ها، ترکمن ها، ایلات خمسه، کولی ها، و عشایر عرب زبان از جمله اقوام و عشایر عمده ایران اند.

**گردها:** کردها از اقوام اصیل آریایی اند که در طول کوه های زاگرس از جنوب شهر باکو در آذربایجان تا شمال لرستان و خوزستان سکونت دارند. گروه بزرگی از کردها نیز در مشرق ترکیه و شمال عراق و سوریه و بخش جنوبی ارمنستان زندگی می کنند.

در قدیم ترین آثار و مدارکی که از تمدن های باستانی بابل و آشور و اکد و سومر به دست آمده، به گردها اشاره شده است. یونانیان نیز در نوشته های خود بارها از گردان و دلیری آن ها یاد کرده اند.

بخش بزرگی از گردهای ایران امروزه در شهرهای مختلف ساکن اند. طوایفی از ایشان نیز در دوره های مختلف به نواحی دیگر کوچ داده شده اند. هم اکنون در خراسان، به خصوص در قوچان و درگز و بجنورد، شمار قابل توجهی کرد زندگی می کنند که از قرن ها پیش برای مقابله با ازبک ها در این نواحی جای گزین شده اند. تیره های مهم کرد که در آذربایجان غربی زندگی می کنند عبارتند از: منگور در مهاباد، جلایی در اطراف ماکو، میلان ساکن خوی و شکاک و بیک زاده، که به ترتیب در سلماس و ارومیه سکونت دارند. ایلات کرد بیشتر در مغرب سقز و سنج و کرمانشاه رفت و آمد می کنند. معروف ترین آنها ایل های سنجابی، باباخانی، گُماسی، گوران و کلهر و فتح علی بیگی هستند. سنجابی ها، که بیشترشان در اطراف کرمانشاه سکونت دارند، جمعیتی بین سه تا چهار هزار خانوار را تشکیل می دهند. جمعیت ایل کلهر، که در جنوب کرمانشاه زندگی می کنند، حدود ده هزار خانوار برآورد شده است. این ایل در تابستان ها به اطراف اسلام آباد (شاه آباد غرب) به بیلاق می روند و قشلاقشان اطراف گیلان غرب است.

گردها بیشتر سنی هستند. اما طوایفی از آن ها مانند سنجابی ها و بعضی شاخه های ایل گوران مذهب تشیع دارند. عده ای نیز پی رو اهل حق اند. گردها به زبانی از ریشه ی زبان های باستانی ایران سخن می گویند که گویش های مختلفی دارد. دو گویش اصلی آن کُردی مُکری و کُردی سَنه است که از سایر گویش ها رواج بیشتر دارد و آثار شعر و ادبیات قابل توجهی از آن ها در دست است. گویش های دیگر کرمانجی، سورانی و ززکی است. گردها از نظر خصوصیات اخلاقی و فرهنگی نیز ممتاز اند. دلاوری و آزاد منشی و آزاد اندیشی ایشان در بین ایرانیان مشهور است. موسیقی و رقص کُردی و همچنین زیبایی و رنگارنگی جامه ها و زینت های گردان در فرهنگ ایرانی مشهور و شایان توجه است.

**لرها:**

لرها در مغرب رشته کوه های زاگرس در منطقه ای جنوبی تر از کردستان سکونت دارند. در گذشته لرها را از طوایف کرد می دانستند. اما بعدها برمبنای ویژگی های زبان شناسی طایفه های سگوند، بختیاری، ممسنی، لک و عشایر کهگیلویه و بویر احمد را لر نامیدند. به نظر می رسد که این طوایف از اختلاط میان اقوام مهاجر به وجود آمده باشند. لرها در زمان حکومت ایلخانان مغول در دو منطقه می زیستند که لر بزرگ و لر کوچک نامیده می شد. بین این دو منطقه ناحیه سوومی به نام شولستان وجود داشت. اکنون کهگیلویه به جای لر بزرگ و لرستان به جای لر کوچک قرار دارد. ممسنی نیز جایگزین شولستان شده است.

ایلات بختیاری، که در نواحی بین اصفهان و خوزستان و لرستان و بروجرد سکونت دارند، با جمعیتی حدود چهارصد هزار تن بزرگترین اجتماع عشایری ایران را تشکیل می دهند. بختیاری ها شیعی مذهب هستند و به لهجه ای از زبان های قدیم ایران سخن می گویند که دارای ادبیاتی قابل توجه است. موسیقی و رقص و آداب و رسوم خاص و پیوندهای محکم ایلیاتی ایشان در تاریخ ایران مشهور است.

خوانین بختیاری در بعضی حوادث تاریخی ایران در اواخر دوره صفوی و هم زمان با ظهور نادرشاه افشار دخالت مؤثر داشتند. در تاریخ مشروطیت نیز قیام سردار اسعد بختیاری به حمایت از مجاهدین و بر ضد محمدعلی شاه برای پایان دادن به دوره استبداد صغیر اهمیت بسیار داشته است. کریم خان زند که در تاریخ ایران به رشادت و درعین حال ملایمت طبع و مردم دوستی شهرت داشته، از میان طوایف لر برخاسته است.

**بلوچ ها:**

بلوچ ها از اقوام باستانی ایران اند که در استان های شرقی کشور، بلوچستان، سیستان، کرمان، و بعضی نواحی خراسان زندگی می کنند. در خارج از مرزهای ایران نیز بلوچ ها در نواحی سند و پنجاب ساکن اند. بلوچ های ایران اکثر سنی مذهب اند. زندگی ایلی ایشان با دام داری، کشاورزی، و پرورش درخت های نخل می گذرد.

شماری از ایشان همواره به رفت و آمد بین ایران و پاکستان مشغول اند و از راه داد و ستد کالا روزگار می گذرانند. مهم ترین طوایف بلوچ یاراحمد زایی، میرعبدی، ریگی و سراوانی نام دارند.

طبیعت نامساعد بلوچستان موجب مهاجرت های وسیع اقوام بلوچ به نواحی مختلف ایران شده است. در گیلان، مازندران، آذربایجان، و خراسان عده زیادی از بلوچ ها به کشاورزی و کارگری اشتغال دارند. سکونت بعضی از آن ها در این نواحی فصلی و بعضی دیگر دائمی است.

### ترکمن ها:

این نام در قرن های نخست اسلامی به ترک هایایی که از سوی آسیای مرکزی به سرزمین های ایرانی می آمدند اطلاق شده است. غُزها که در قرن پنجم هجری (یازدهم میلادی) در خراسان فجایع بسیار کردند از آن جمله اند. ترکمن ها امروز در شمال خراسان و مشرق مازندران سکونت دارند، به زبان ترکی سخن می گویند و سنی مذهب اند. دامداری، کشاورزی، به خصوص پنبه کاری، در گنبد قابوس و دشت گرگان شغل اغلب آنهاست. تربیت بهترین اسب ها در همین مناطق به وسیله ترکمن ها صورت می گیرد و مهمترین مسابقات اسب دوانی کشور بین ترکمن ها همه ساله برگزار می گردد.

ترکمن ها از حیث خصوصیات ظاهری با دیگر مردم ایران تفاوت های بارز دارند. طوایف عمده ترکمن عبارتند از: کوکلان، یموت و تکه. نواحی کوهستانی شرق دشت گرگان اطراف بجنورد محل سکونت کوکلان ها و دشت گرگان از آن یموت هاست. طایفه تکه بیشتر در ترکمنستان سکونت دارند. اما حدود یکصد خانوار از آن ها اطراف گنبد کاوس زندگی می کنند. طوایف ترکمن با حفظ خصوصیات قومی خود امروز از لحاظ تولید اقتصادی در زمره فعال ترین مردم ایران اند. تهیه و بافت قالیچه های معروف ترکمن، کشت و برداشت و تصفیه و تجارت پنبه در واحدهای بزرگ، تربیت دام و پرورش اسب های مسابقه از مهم ترین مشغولیت های ترکمانان است. این طوایف در آداب و رسوم و موسیقی و رقص و جامه های رنگین و زیبا نیز پرآوازه اند.

### قشقای ها:

قشقای ها که یکی از بزرگ ترین و مقتدرترین ایل های ایران را تشکیل می دهند در مسیری طولانی، بین سواحل خلیج فارس و اطراف اصفهان، در بیلاق و قشلاق سالانه هستند. در مورد خاستگاه اصلی ایل قشقای نظرها مختلف است. بعضی اصل آن ها را قبایل ترک خَلج می دانند و بعضی دیگر آنان را به سرزمین های بین هند و سیستان نسبت می دهند. نظر بعضی دیگر آن است که قشقای ها نخست در قفقاز می زیسته اند و از همین روست که یادگارهایی از آن دوران را در شیوه زندگی و هنرهای مختلف از موسیقی و رقص تا نقش های زیبای پوشش و فرش خود حفظ کرده اند. محل اصلی سکونت قشقای ها و حوزه نفوذ و قدرت سیاسی محلی آنان در قرن های اخیر در اطراف شهر شیراز بوده است.

### شاهسون ها:

شاهسون ها که در شمار ایلات ترک زبان ایران اند در شهرهای اردبیل، زنجان و شمال فارس و شهر ساوه سکونت دارند. قشلاق آن ها دشت مُغان و بیلاق آن ها بین اردبیل و مشکین شهر به طرف کوه سَبَلان است. شاهسون ها پیرو مذهب تشیع اند و به لهجه ترکی آذربایجانی سخن می گویند و شامل تیره های گوناگون اند. ایلات شاهسون از زمان صفویه به بعد در دوره های مختلف به وسیله فرمان روایان ازجایی به جای دیگر کوچ داده شده اند. دو تیره از شاهسون ها که امروز در ساوه ساکن هستند یکی در زمان شاه عباس بزرگ از شیراز و دیگری، به احتمال زیاد در دوران نادرشاه افشار، از مُغان به این ناحیه کوچ کرده اند. در نیم قرن اخیر، دشت مُغان با فعالیت های گسترده کشاورزی مکانیزه محل سکونت قسمتی از ایل شاهسون شده است. شاهسون (دوستدار و فدایی شاه) نامی است که در زمان صفویه به سپاهیان قزلباش داده شد. در آغاز قزلباش به معنی سُرخسر نام گروهی از مریدان شیخ جُنید صفوی از صوفیان به نام غرب ایران بود که با تعلیمات مذهبی شیخ برای جنگ و محاربه با دشمنان شیعیان و کُفّار آماده شده بودند. اینان همگی از طوایف مختلف تر کمن برگزیده شده و به چالاکی و خشونت بسیار در نبرد شهرت داشتند.

وظیفه طوایف مختلف که در سپاهیان قزلباش گرد آمده بودند جهاد با کُفّار، ترویج مذهب شیعه دوازده امامی و پاسداری از سلطنت صفوی بود. آنان در راه مقاصد شاه که او را مرشد کامل می دانستند فداکاری می کردند و در مقابله با دشمنان صفویان و مذهب تشیع از هیچ خشونتی ترس نداشتند.

نه طایفه روملو، شاملو، اُستاجلو، تِگلو، ذوالقدر، قاجار، افشار، ورساق و صوفیان قراباغ در سپاهیان قزلباش وارد شده بودند. شاه اسماعیل صفوی پس از فتح هر ولایت غنائم و زمین ها را بین سران این طوایف که سرداران سپاه او بودند تقسیم می کرد و آنان را در هر ولایت با القاب و عناوینی چون امیرالأمرا، بیگ، بیگلربیگ، خان و سلطان به حکومت می گماشت. سپاهیان قزلباش نخستین بار در قرن نهم هجری سلطان حیدر و پسر او شاه اسماعیل را در رسیدن به سلطنت یاری کردند. نخستین بار به دستور سلطان حیدر اینان تاج قزلباش بر سر گذاشتند تا از دیگر صوفیان ممتاز باشند.

تاج قزلباش کلاه نم‌دین سرخ رنگی بود که نوکی بلند و ضخیم داشت. قسمت بالایی کلاه به عدد دوازده امام، دوازده چین کوچک یا ترک می خورد. دورا دور کلاه سرخ دستاری سپید یا سبز از پشم یا ابریشم می پیچیدند که آن را به صورت عمامه بزرگی جلوه می داد و نوک سرخ بلند و دوازده ترک کلاه از میان عمامه بیرون می ماند.

فتوحات شاه اسماعیل و گماشتن سران قزلباش به حکومت های محلی به زودی سراسر ایران را در اختیار آنان قرار داد. نفوذ فوق العاده سران قزلباش که با حرص و آزد در جمع مال و کسب قدرت همراه شده بود، عاقبت اوضاع را در هم ریخت. آنان ولیعهد شاه طهماسب را گشتند و به میل خود دیگران را به قدرت رساندند و فراتر از این با دشمنان ایران برای حمله و تجاوز بر ولایات سرحدی هم داستان شدند. هنگامی که شاه عباس بزرگ به سلطنت رسید به محدود کردن قدرت و اختیار سران قزلباش همت گماشت. وی دو دسته سپاه منظم، یکی از غلامان ترکمن گرجی، چرکس و ارمنی و دیگر از رعایای تاجیک و ایرانی ترتیب داد. سپاه دوم با سلاح آتشین نیز مجهز بود. این نیروها علاوه بر سپاهیگری مقابله با سران قبایل ترک و حفظ توازن قدرت میان آنان را نیز به عهده داشتند.



### ایلات خمسه:

چنان که از خود نام برمی آید، ایلات خمسه از پنج ایل تشکیل شده است: اینانلو، بهارلو، باصری، نغر و عرب. این ایل ها در نواحی فارس و ساوه و آذربایجان و نقاط مرکزی ایران بیلاق و قشلاق می کنند.

### عشایر عرب زبان:

عشایری که در خوزستان و سواحل خلیج فارس از تربیت حیوانات اهلی و ماهی گیری و پرورش نخل روزگار می گذرانند همگی عرب زبان هستند. بزرگ ترین این طوایف آل کثیر شرقی است که در زمان مُشعشعیان از عراق به خوزستان آمده اند. اواخر سلطنت صفوی این عشایر به نواحی شرقی خوزستان کوچ کردند و بین شوشتر و دزفول و اهواز ساکن شدند.

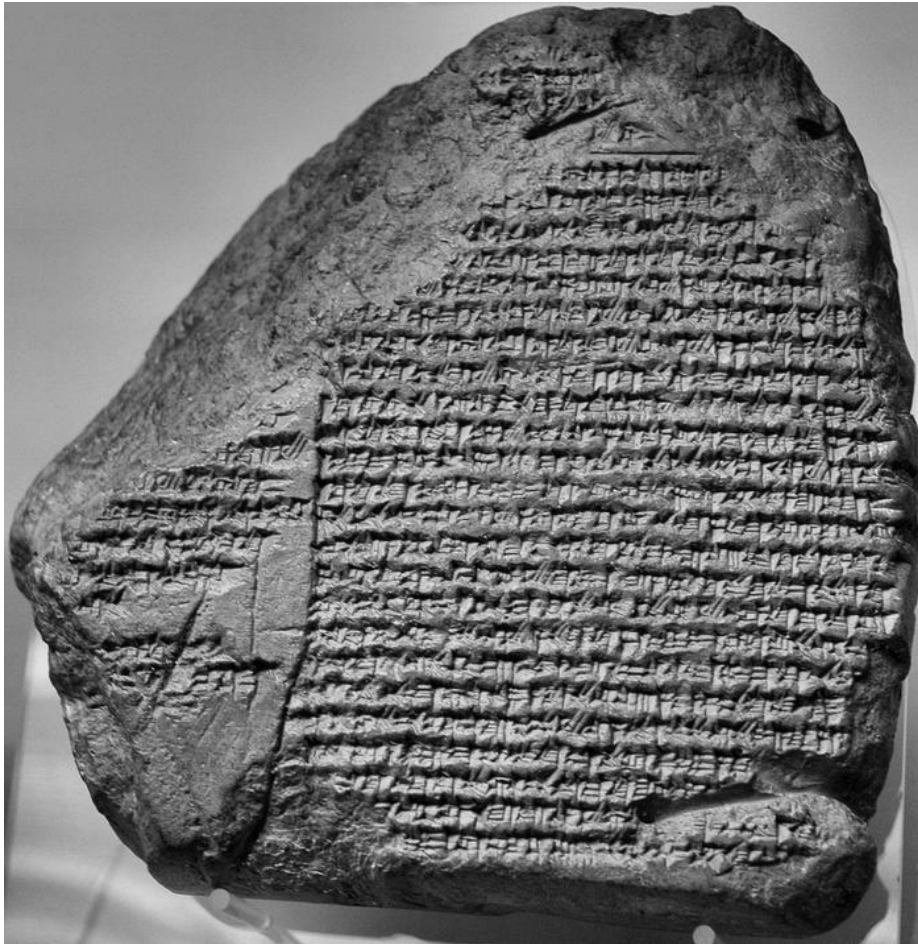
بنی کعب یکی دیگر از عشایر عرب ساکن خوزستان هستند که ورود آن ها را در آغاز سلطنت شاه عباس بزرگ به این منطقه دانسته اند. از دیگر عشایر عرب زبان که در خوزستان به سر می برند و با زرگری و کارهای فنی و مکانیکی زندگی می کنند، می توان صابثان یا صبیان را نام برد. این مردم تاریخی کهن دارند که به پیش از میلاد مسیح می رسد. صابثان یا مُغتَسِله که عده ای سرزمین اصلی آن ها را اُردُن و شام دانسته اند، همان طایفه اند که یحیی بن زکریا از میان ایشان برخاست و همگان را به ظهور عیسی مسیح بشارت داد. مراسم غسل تعمید و شستشو در رودخانه اردن برای پاک شدن از گناهان، از معتقدات ایشان است. حدس زده اند که پدر مانی (پیامبر ایرانی) اعتقادات صابثان را برگرفته بوده و خود مانی از افکار ایشان بهره جسته است.

### کولی ها یا لوری ها:

کولی ها که برخی موطن نخستین آنان را هند و عده ای مصر می دانند (کسانی نیز کولی را تغییر شکل یافته «کابلی یا کاولی» می شمردند) بازماندگان طوایفی هستند که در قرن نهم میلادی از طریق ایران رهسپار مغرب زمین شدند. نخستین بار در افسانه های مربوط

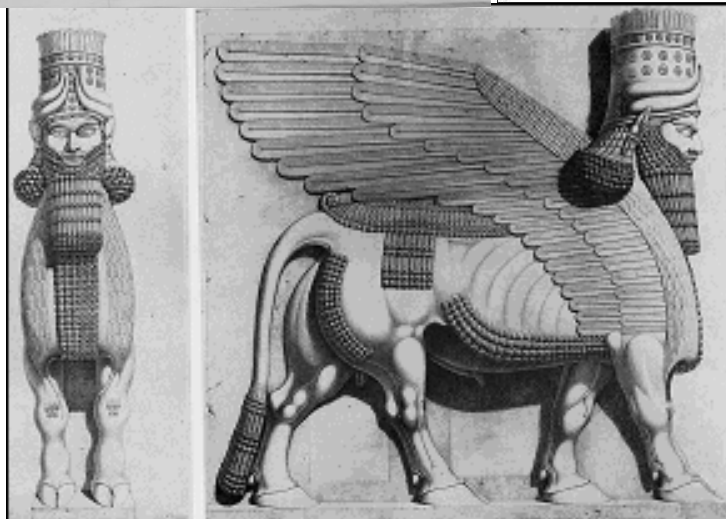
به بهرام پنجم ساسانی (بهرام گور) با نام این طوایف روبرو می شویم که بنا بر آن شنگل پادشاه هند بنا به درخواست بهرام ده هزار لوری خواننده و نوازنده را به ایران فرستاد. کولی ها در نقاط مختلف ایران به نام های گوناگون خوانده می شوند: در فارس کولی، در کرمان لولی، در آذربایجان قراچی، در خراسان غرِشمال. اصطلاحات غربتی و چنگانه و زنگاری نیز درباره ایشان به کار رفته است.

منبع درآمد این طوایف دام پروری و بعضی صنایع دستی مانند غربال بندی و آهنگری است و از زن و مرد به کارهایی دیگر مانند فالگیری، نوازندگی، و طالع بینی نیز می پردازند.



# ایران

## پیش از آریایی ها



## ایران پیش از تاریخ

ما قبل تاریخ یا پیش از تاریخ به زمانی اطلاق می‌شود که انسان هنوز موفق به اختراع خط نگردیده بود. از حدود ۳۶۰۰ سال قبل از میلاد انسان موفق به اختراع خط گردید. پیش از این پنداشته می‌شد اولین مخترعین خط ابتدا سومریان (۳۶۰۰ پیش از میلاد) و سپس ساکنان نواحی جنوبی میان‌رودان و تمدن ایلام در خوزستان باشند. با کاوش‌های جدید مشخص شد اختراع خط و نوشته، مربوط به تمدن جیرفت در ایران است بر اساس سنگ نوشته‌ی جدیدی که در نوامبر سال ۲۰۰۷ در کاوشگاه جیرفت یافت شد.

دوره پیش از تاریخ خود به سه دوره تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از:

(۱) پارینه‌سنگی (عصر حجر قدیم)

(۲) فرا پارینه سنگی

(۳) نوسنگی (عصر حجر جدید)

در ایران تپه‌های باستانی بسیاری از دوره نوسنگی باقی مانده‌است. دوران پارینه سنگی ایران به سه دوره پارینه سنگی آغازین، میانی، پایانی و یک دوره کوتاه بنام فرا پارینه سنگی تقسیم می‌شود. فرهنگهای مرتبط با پارینه سنگی قدیم ایران شامل فرهنگ ساطور ابزار الدوان و فرهنگ تبر دستی آشولی هستند. کهن ترین شواهد این دوره که مربوط به فرهنگ الدوان است در اطراف رود خانه کشف رود در شرق مشهد یافت شده‌است. این شواهد شامل تعدادی ابزار سنگی ساخته شده از کوارتز است که شامل تراشه و ساطور ابزار هستند. طبق نظر کاشفین این مجموعه حداقل ۸۰۰ هزار سال قدمت دارد. از فرهنگ آشولی نیز مدارک بیشتری در شمال غرب و غرب کشور بدست آمده‌است. برخی از مکانهای مهم شامل گنج پر در رستم آباد گیلان، شیوه تو در نزدیکی مهاباد، پل باریک در هلیلان لرستان هستند.

از دوران پارینه سنگی میانی که فرهنگ ابزار سازی آن موثرتری گفته می‌شود، شواهد بیشتری در غارها و پناهگاهها یافت شده‌است که اغلب مربوط به زاگرس مرکزی هستند. این دوره از حدود ۲۰۰ تا ۱۵۰ هزار سال پیش شروع شده و تا حدود ۴۰ هزار سال پیش ادامه داشته‌است. انسان‌های نئاندرتال در این دوره در ایران می‌زیستند که بقایای اسکلت آنها در غار بیستون یافت شده‌است. مکانهای مهم این دوره غارهای بیستون، ورواسی، قبه و دو اشکفت در شمال کرمانشاه، قمری و گرارجنه در اطراف خرم آباد، کیارام در نزدیکی گرگان، نیاسر و کفتار خون در نزدیکی کاشان، قلعه بزی در نزدیکی اصفهان و میرک در نزدیکی سمنان است. دوران پارینه سنگی جدید ایران از حدود ۴۰ هزار سال پیش آغاز و تا حدود ۱۸ هزار سال پیش ادامه یافته که مقارن با مهاجرت انسان هوشمند جدیدی به ایران است. آثار این دوره در اطراف کرمانشاه، خرم آباد، مرو دشت و کاشان یافت شده‌است. فرهنگ ابزار سازی این دوره تیغه و ریز تیغه برادوستی است. آثار دوره بعدی فراپارینه سنگی در غرب زاگرس و شمال البرز بدست آمده که فرهنگ زرزی خوانده می‌شود.

ساکنین ایران را قبل از رسیدن ایرانیان می‌توان زیر عنوان کلی کاسپین که دریای خزر بنام آنهاست جمع نمود، کاسپین ها کشاورزی می‌کردند. این مردم نخستین کشاورزان جهان بوده‌اند و کشاورزی از سرزمین آنها به خاکهای رسوبی رودخانه‌های سند و سیحون و جیحون و دجله و فرات رسیده‌است. در دوران نوسنگی در برخی نواحی آسیای غربی (خاورمیانه)، انسان از مرحله جمع‌آوری و شکار به مرحله کشت و اهلی کردن برخی جانوران، انتقال یافت.

### روستائشینی:

قدیمی ترین آثار سکونت روستا نشینان اولیه در غرب زاگرس و شمال خوزستان یافت شده‌است. برخی از این روستاهای اولیه گنج دره، سراب و آسیاب در نزدیکی کرمانشاه، علی کش در دهلران، گوران در هلیلان و چغا بنوت در شمال خوزستان است. قدیمیترین مدارک اهلی شدن بز در مکان گنج دره کشف شده که حدود ۱۰ هزار سال قدمت دارد.

بین هفت تا هشت هزار سال پیش مراکز روستانشین در چند نقطه از ایران، در منطقه تمدن جیرفت در تمدن تپه سیلک نزدیک کاشان و در اطراف مرودشت و در فاصله کمی از شوش، قدیمی ترین شهر موجود دنیا، وجود داشته است. شوش یکی از قدیمی ترین سکونتگاههای شناخته شده ی منطقه است، با وجود اینکه نخستین آثار یک دهکده ی مسکونی در آن مربوط به ۷۰۰۰ سال پیش از میلاد هستند.

در طول تاریخ، مهاجرت های انسانی و جابجایی انسان ها همواره به دلیل دستیابی به شرایط بهتر برای زندگی بوده است، در دوران باستان این شرایط بهتر عبارت از آب فراوان تر و خاک حاصلخیزتر برای کشاورزی بوده است. به عنوان نمونه ای از اینگونه مهاجرت ها می توان از دو کوچ بزرگ نام برد: نخست، کوچ هندیان آریایی از پیرامون کوهستان های هندوکش به سرزمین های پنجاب و پیرامون رود سند و دیگری، کوچ ایلامیان و سومریان، به سرزمین های باتلاقی تازه خشک شده خوزستان در ایران و میانرودان انجام شده است. از اینگونه مهاجرت ها تمدنهای بزرگ یا گروههایی از تمدنهای بزرگ برخاستند. ویل دورانت، این آثار تمدن را کهن ترین آثار تمدن بشر دانسته است.

کهن ترین نشانه های تمدن انسانی، مربوطه به ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد است که در ایران تمدن شهر سوخته در سیستان، تمدن عیلام در خوزستان، تمدن جیرفت در کرمان، تمدن تپه حصار در دامغان، تمدن تپه سیلک (در کاشان)، تمدن اورارتو (در آذربایجان)، تپه گیان نهاوند، تمدن کاسی ها (در لرستان امروز)، پیدا شده است. از روی یک قسمت از آثار تمدن تپه سیلک، که گمان میرود مربوط به هزاره چهارم قبل از میلاد باشد، پیدا شده است که اهالی آنجا به بافندگی و کارکردن با فلزات و استعمال مهر و چرخ گوزه گری پی برده بودند.

ایران نخستین سرزمینی است که در آن مردم به استخراج و استعمال فلزات پی برده اند. تعدادی از نخستین کوره های ذوب مس در تل ابلیس کرمان مربوط به هزاره پنجم قبل از میلاد بدست آمد و اشیاء مسی شامل سنجاق و درفش، مهر و دستبند و حلقه انگشتر از آنها کشف گردید.

قدیمی‌ترین فلزی که مورد استفاده انسان قرار گرفته مس بوده‌است. این فلز در ۴۵۰۰ قبل از میلاد در آسیای غربی مورد استفاده بوده‌است.

از اواسط دوران فلز، بجز مس، فلزات دیگری چون قلع، طلا، نقره در چرخه فن‌آوری مردمان آن عصر پدیدار شدند و شاید به این دلیل است که این دوره را دوره فلز نام نهاده‌اند نه دوره مس. برنزه‌های مشهور به لرستان اهمیت ایران را به‌عنوان یک مرکز فلزکاری بطور روشن نشان می‌دهد. رویدادی مهم در هزاره سوم پیش از میلاد که تأثیرگذار در زندگی ساکنان فلات ایران و خصوصاً دشت خوزستان است عبارت است از کشف فلز آلیاژی مفرغ. از مراکز مهم فرهنگ‌های عصر مفرغ ایران غرب ایران و حوزه زاگرس مرکزی (لرستان پیشکوه و پشتکوه) بوده‌است. مفرغ ساخته شده در کوهپایه‌های زاگرس به سومر و عیلام صادر می‌شده‌است.

### شهرنشینی:

شهرنشینی، شهر به مفهوم اخص آن از اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد و خصوصاً هزاره سوم پیش از میلاد در ایران موجودیت یافت. شهر شوش یکی از قدیمیترین (۴۰۰۰ سال قبل از میلاد) سکونتگاه‌های شناخته شده‌ی منطقه است.

شهرهای مهم ایران در هزاره سوم پیش از میلاد عبارت‌اند از:

تپه حسنلو و هفتوان تپه در آذربایجان - تمدن تپه سیلک (در کاشان) - تپه حصار در دامغان - تپه گیان نهاوند، - گودین، کنگاور - شاه‌تپه و تورنگ تپه گرگان - تپه قبرستان بوبین زهرای قزوین - شوش، خوزستان - تمدن جیرفت، تپه یحیی و شهداد، کرمان - ملیان، فارس - شهر سوخته در زابل.

پایان عصر مفرغ و کشف آهن (شروع دوره آهن) مقارن است با رویدادهای مهم تاریخی و فرهنگی که در هزاره دوم پیش از میلاد زمینه‌ساز تشکیل سلسله‌ها و ظهور نخستین حکومت‌های مستقل در هزاره‌های دوم و اول پیش از میلاد همچون: ماننا، اورارتو و ماد و سرانجام امپراتوری وسیع هخامنشی شدند عبارت‌اند از مهاجرت آریایی‌ها به فلات ایران، روی کار آمدن دولتهای مستقل به جای دولت شهرهای پیشین، و تجمع اقوام و قبایل

مختلف (مقیم و مهاجر) خصوصاً در مناطق غربی و شمال غربی ایران که هر کدام قلمرو خاص خود را داشتند. این اقوام در شمال غربی ایران با اورارتو و آشور همسایه شدند.

## اجداد ایرانیان

هزاران سال پیش از این، در سرزمینی که جایگاه ماست هیچ نشانی از شهر و ده و آبادی نبود. هیچ خانه ای در این سرزمین دیده نمی شد. کوهها سر به آسمان کشیده بود و در دامنه آنها و کنار دریاهاى شمال و جنوب و دریاچه بزرگ مرکزی، یعنی آنجا که اکنون نمک زار خشک لوت است، بیشه های انبوه وجود داشت. در میان این بیشه ها تک تک مردمانی زندگی می کردند.

این مردمان شبها که هوا سرد می شد و هنگامی که برف، باران و طوفان بود به غارها، یا سوراخهای بزرگی که خودشان در میان سنگها کنده اه می بردند. خوراکیان میوه درختان خودرو و دانه ها و ریشه های خوردنی گیاهها بود. بجز آن، در کوه و دشت جانوران را شکار می کردند و در کنار دریاها و رودخانه ها ماهی می گرفتند و از گوشت آنها گرسنگی خود را فرو می نشانند.

برای شکار جانوران سنگهای نوک تیز و گاهی استخوانهای سخت و درشت را به کار می بردند. گاهی هم شاخه های ستر درختان را بر سر جانور می کوفتند. تن خود را یا با پوست جانوران می پوشانند یا با برگ درختان.

این مردمان هنوز نمی دانستند که دانه گیاه ها را می توان کاشت تا از هر دانه چندین دانه دیگر بدست بیاید. خانه هم نداشتند. پس لازم نبود که یک جا بمانند. هر خانواده ای در جستجوی خوردنی سرگردان می گشت. چون روزگاری گذشت افروختن آتش را آموختند و این پیشرفت بسیار بزرگی بود.



ما نمی دانیم که این مردمان چه اندیشه هائی در سرداشتنند؟ با چه زبانی گفتگو میکردند؟ چه آیینی داشتند؟ فقط همین قدر می دانیم که اموات خود را دفن می کردند و این خود نشانه عقیده و دینی است. و از آنجایی که گورهای این مردمان پهلوی هم است می توان دریافت که دسته ها کوچکی باهم زندگی می کرده اند.

### زندگی کشاورزی:

این گونه زندگی کردن برای مردمان نخستین بسیار سخت بود. چند هزار سال چنین بسر بردند. کم کم در پی آن برآمدند که زندگی خود را بهتر کنند. نشانه های این پیشرفت از هشت هزار سال پیش آشکار شد. درغارها داس هائی از زیرخاک بیرون آمده که تیغه آنها از سنگ است و پیداست که با این داس گیاههای دانه دار را درو میکرده اند. هنوز کشت گیاه را نیاموخته بودند. اما دریافته بودند که بعضی از گیاهها و گوشت بعضی از جانوران خوردنی تر است. استخوانهایی که پهلوی این ابزارهای سنگی بدست آمده بیشتر استخوان گوسفند و بز و خوک است. اما در این زمان از همه جانوران شاید تنها سگ را دست آموز کرده بودند.

هزار سال دیگر گذشت تا مردمان توانستند گوسفند و گاو و بز و خوک را اهلی کنند. کم کم کاشتن دانه را آموختند. شاید این پیشرفتها بیشتر به دست زنان انجام میگرفت. مرد روزها با سنگ و چوب و استخوان دنبال شکار میرفت و زن در غار و نزدیکی های آن می ماند تا آتش را افروخته نگهدارد و میوه و ریشه های خوردنی درخت و گیاه را فراهم کند. یک روز زنان دریافتند که دانه هائی که از دستشان می افتد پس از چندی جوانه میزند و از زمین می روید. پس مستی دانه در جای مناسب ریختند تا بروید و این آغاز کشاورزی بود. در غارهایی که در کوهستانهای مغرب ایران است پهلوی استخوان مردم غارنشین دانه های جو و گندم یافته شده و پیداست که این دانه ها را می کاشته اند. داس های سنگی که برای درو کردن این کشتزارهای کوچک بکار میرفت در همان غارها بدست آمده است.

زنان از گل رس که در کنار جویبارها ته نشین شده بود با دست ظرفهای گلی درشت و ناهمواری می ساختند و آنها را روی آتش می گذاشتند تا خشک و سخت بشود. دود روی این ظرف ها را مثل لعاب سیاهی می پوشانید.

زن به سبب این کارها که برعهده داشت در آن دوره نخستین زندگی بشر، شأن و مقام بیشتری یافته بود. فرمانروای خانواده زن بود. این مردمان به خدایان بسیار اعتقاد داشتند که پیکر آنها را از گل رس پخته به شکل انسان می ساختند. همه این پیکرهای خدایان که بدست آمده به شکل زن ساخته شده است.

### زندگی دهقانی:

کم کم بارندگی در این سرزمین کم شد و آب دریاچه مرکزی فرونشست. درکناره های این دریاچه از سیل ها و رودخانه ها خاک های حاصلخیزی ته نشین شده بود که روی آنها سبزه و گیاه و درختان بسیار روئید. جانورانی که در کوهستان بسر می بردند برای چرا کردن به این چمنزارها آمدند و مردمانی که از شکار زندگی میکردند در پی آنها از کوه سرازیر شدند و در دشت ماندند.

اینجا دیگر غار نبود تا از سرما و گرما به آن پناه ببرند. ناچار پناهگاهی از شاخ و برگ درختان ساختند. هنوز خانه نداشتند. چندی که گذشت دیوارهای از گل برپا کردند که سقف آنها را با شاخه و علف می پوشاندند. سپس کار کشاورزی که در کوهستان آغاز شده بود در دشت پیشرفت کرد. شاید کشاورزی را نخستین مردمانی که در ایران زندگی می کردند به دیگران آموخته باشند. از کشاورزی خوراک انسان فراهم میشد. پس کم کم شماره مردمان بیشتر شد و دسته هائی از ایشان گرد هم آمدند و خانه های گلی خود را پهلوی هم بپا کردند. از این خانه ها دهکده درست شد.

اهل این دهکده ها از شکار و زراعت معاش خود را فراهم می کردند. بعد اهلی کردن جانوران را هم آموختند. کهنه ترین نمونه این دهکده های نخستین را در تپه سیلک نزدیک کاشان از زیر خاک بیرون آورده اند. در هرخانه تنوری بود که هم گوشت شکار و خوردنی های دیگر را در آن می پختند و هم ظرفهایی را که از گل رس با دست درست

می کردند در این تنورها آتش میدادند تا سخت محکم بشود. به جای ظرف های دود زده سیاه که غارنشینان می ساختند این مردم ده نشین ظرفهای گل خام را در تنور می گذاشتند و به این سبب روی این ظرفها لعاب سرخی دارد که بر اثر آتش لکه های سیاهی روی آنها پیداست. رویه این ظرف ها را با خط های قائم و افقی نقاشی می کردند. این زندگی دهقانی از هفت هزار سال پیش آغاز شد و پس از هزار سال به کمال ترقی رسید. در پایان این دوره بود که پیشرفت بزرگی در زندگی بشر روی داد. تا این زمان ابزاری که مردم برای شکار و پاره کردن گوشت جانوران و شکستن شاخه ها و کندن ریشه گیاهها داشتند از سنگ بود. کم کم آموخته بودند که سنگها را به هم بسایند و صاف و تیز کنند. اما این ابزارها هنوز خوب بکار نمی آمد. کار تازه ای که مردم در آخر این زمان آموختند گداختن فلزات بود. سنگهای فلز را در کوره می گذاشتند تا بر اثر گرمی آتش فلز آن به گدازد و از سنگ جدا بشود. آنگاه با این فلز ابزار و اسباب های لازم را می ساختند. اول مس را که آسانتر و زودتر میتوان گداخت بدست آوردند. سپس آنرا با فلز دیگری که روی یا قلع خوانده میشود آمیختند و برنج یا مفرغ درست کردند که سخت تر از مس است. روزگار درازی همه ابزارهایی را که لازم داشتند با مفرغ می ساختند. بعد نقره و طلا را هم پیدا کردند. سرانجام توانستند آهن را هم از سنگ جدا کنند. این فلز که از همه فلزهای دیگر محکم تر است برای ساختن شمشیر و چیزهای برنده بسیار سودمند بود. مردمانی که در این دوره ها زندگی می کردند با همه پیشرفت ها هنوز خط نداشتند. یعنی نمی توانستند آنچه را می گویند و می اندیشند بنویسند. به این سبب نشانی از ایشان برای آیندگان نماند تا امروز از روی آن بتوانیم به وضع زندگی و حوادثی که بر سرشان آمده است پی ببریم. تاریخ که سرگذشت خانواده های بشر است از وقتی آغاز می شود که انسان توانسته است داستان زندگی خود را بنویسد. پس این دوران بسیار دراز که در طی آن اجداد دیرین ما به کندی و آرامی و رنج بسیار شیوه زندگی را آموختند و کامل کردند و به فرزندان خود سپردند تاریخی ندارد. از این رو آنرا «دوران پیش از تاریخ» می نامند.

آگاهی ما از این روزگار بسیار کم است و آنرا هم از روی آثاری که در قبرها و طبقات زیرزمین از این مردمان مانده است بدست آوردیم.

## تمدن های نخستین

رواج کشاورزی مردمان را برآن داشت که در جستجوی زمین های مناسبی برآیند. از جمله این زمین ها خاکی بود که تازه از گل و لای رودهای دجله و فرات در بالای خلیج فارس فراهم شده بود و برای زراعت بسیار مناسب بود. مردمی از کوه و دشت ایران به آنجا رفتند و دهکده هائی ساختند. کم کم جمعیت درآن سرزمین فراوان شد. نزدیک به شش هزار سال پیش قوم دیگری به آن ناحیه آباد رسید. این قوم را سومری می خوانند. شاید این مردم نو رسیده از راه قفقاز و شمال غربی ایران آمده بودند.

## سومریان

سومریان در کنار خلیج فارس و قسمت پائین سرزمینی که میان دو رود دجله و فرات است، می زیستند. سومریان شهرهائی ساختند و دولتی تشکیل دادند. این قوم نخستین بار برای نوشتن نشانه هائی اختراع کردند که مانند میخ های افتاده و ایستاده است. به این سبب آنرا «خط میخی» می نامند. با این خط روی لوحه های گلی می نوشتند و آن لوحه ها را می پختند تا دیرتر بشکند. از این گونه نوشته ها به خط و زبان سومری بسیار مانده است که آنها را در همین سال های آخرین از زیر خاک بیرون آورده و خوانده اند. از روی آنها می توانیم وضع زندگی و تاریخ و سرگذشت این قوم را که قرن ها درآن ناحیه زندگی می کردند دریابیم.

سومریان با این شیوه کتاب هائی می نوشتند و ادبیات و دانش خود را بر آنها ثبت می کردند و به فرزندان خود می آموختند. دستگاه اداری منظم داشتند. مدرسه ها تأسیس کرده بودند. پیکر خدایان خود و مردان و زنان بزرگ را از سنگ می تراشیدند یا با گل پخته درست می کردند. ده ها هزار لوحه که شامل اطلاعات درست و دقیق از وضع زندگی این قوم است یافته شده که در موزه های بزرگ دنیا نگهداری می شود. وضع قانون از کارهای مهم سومریان است.

سومری ها قومی بودند که خود شاخه ای جدا از نظر نژادی و زبانی تشکیل می دادند و با هیچ یک از اقوام امروزی خویشاوندی ندارند. زبان آنها نیز تک خانواده است یعنی ارتباطی زبان شناختی و ریشه شناختی میان زبان آنها و دیگر اقوام به اثبات نرسیده است. تاریخ ورود سومریان به این سرزمین دقیقاً معلوم نیست، ولی بر اساس کاوش های باستان شناسی سومریان حدوداً ۴۵۰۰ سال پیش از میلاد نخستین تمدن درخشان بشری را پایه گذاری کردند و دولت شهرهای باشکوهی چون اور، اوروک، نیپور، کیش، لاگاش، اریدو و غیره بنا نهادند، لازمه ایجاد چنین تمدنی این است که سومریان حداقل ۵۰۰ سال قبل از بوجود آوردن دولت شهرها، در منطقه حضور داشته باشند یعنی می توان گفت سومریان ۴۵۰۰-۵۰۰۰ سال پیش از میلاد در منطقه میانرودان بوده اند. این باور که چرا سومریان را نخستین قوم شکل یافته می خوانند چند علت دارد. ابتدایی ترین و برترین آثار کشاورزی که نشانه زندگی اجتماعی آنان است، ابزار سازی و دانش استفاده از فلزات، خط و نوشته که مهم ترین اختراع بشری است و وجود شهرهای مستقل از این علل است. درباره خاستگاه سومریان پیش از آمدن ایشان به میانرودان هیچ سند و گواه و راهنمای تاریخی وجود ندارد اکثر دانشمندان خاستگاه ایشان را از فلات ایران و از دامنه های زاگرس دانسته اند.

زبان شناسان زبان سومری را جزء زبان های تک خانواده (منفرد) یعنی بدون خویشاوندی در میان زبان های امروزی دسته بندی کرده اند.